



پنج شنبه 3 مهر 1393- 29 ذی‌قعدة 1435- 25 سپتامبر 2014

شهید احمد رجب خیشگر در یکی از روزهای زیبای سال ۱۳۳۹ش، در جمع مهربان و صمیمی خانواده‌ای متدین در شهر دزفول، چشم به جهان هستی گشود.

* 3 مهر در دفاع مقدس

* شهادت شهید احمد

رجب خیشگر (1359ش)

اشاره:

شهید احمد رجب خیشگر در یکی از روزهای زیبای سال ۱۳۳۹ش، در جمع مهربان و صمیمی خانواده‌ای متدین در شهر دزفول، چشم به جهان هستی گشود.

تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را با موفقیت به پایان رساند. در سال‌های اوج‌گیری مبارزات ملت ایران برای به پیروزی رساندن انقلاب اسلامی، به صف قیام مردمی پیوست و از ادامه تحصیل بازماند.

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، احمد به استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران درآمد. وی، دوره آموزشی نظامی را در زادگاهش دزفول گذراند تا این‌که

جنگ تحمیلی با تجاوز نیروهای رژیم بعثی به مرزهای میهن اسلامی‌مان شروع شد.

احمد با شور و اشتیاقی فراوان به

جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافت و

به پادگان دشت آزادگان سوسنگرد اعزام و در جبهه‌های الله‌اکبر مستقر گردید.

او مردانه سلاح بر دوش کشید و در مقابل تجاوزگری‌های دشمن بعثی ایستادگی‌ها کرد. احمد به واسطه حماسه‌ها و دلاوری‌های فراوان که از خود نشان داد به درجه گروهان یکمی نائل گردید. سردار جوان سپاه اسلام دلیرانه زخم جنگ را چشید

و از جبهه محروم شد. اما موضوع را از خانواده پنهان نمود و سرانجام در تاریخ سوم مهرماه سال ۱۳۵۹

در سن بیست سالگی عاشقانه به سوی ملکوت اعلی پرواز نمود.

پیکر مطهر شهید احمد رجب خیشگر به دست دژخیمان بعثی افتاد و هنوز هم به وطن بازنگشته است.

* سفر هیئت ایرانی

به نیویورک برای انجام

مذاکرات سه جانبه پس از

پایان جنگ (1367 ش)

اشاره:

به درخواست دبیر کل سازمان ملل متحد و به منظور ادامه مذاکرات در نیویورک،

هیئت بلندپایه جمهوری اسلامی ایران

به سرپرستی وزیر وقت امور خارجه، در تاریخ سوم مهر 1367 عازم مقر سازمان ملل شد. این هیئت به مدت دو هفته، علاوه بر

شرکت در مذاکرات سه جانبه وزاری خارجه ایران، عراق و دبیر کل، از فرصت حضور وزرای خارجه سایر کشورهای جهان به مناسبت برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل استفاده نمود و در ملاقات‌های متعدد، مواضع جمهوری اسلامی ایران به ویژه در

خصوص مذاکرات مربوط به اجرای قطعنامه 598 و کارشکنی‌های عراق، مذاکرات قبلی نیویورک و ژنو و پیش شرطهای عراق و معاهده 1975 الجزائر را تشریح کرد.

در نهایت، اولین دور مذاکرات سه جانبه از تاریخ نهم مهرماه آن سال آغاز شد و در بیستم آبان 67 پس از هفت دور ملاقات و مذاکره زیر نظر دبیر کل و یا نماینده ویژه وی، پایان پذیرفت. این دور از مذاکرات نتیجه‌ای در بر نداشت و این امر موجب نگرانی دبیر کل شد که در گزارش وی منعکس گردید.

دبیر کل و هیئت ایرانی در عدم رضایت از برخورد عراق با مذاکرات شریک بودند، زیرا در عمل ثابت شد که این عراق است که فاقد علاقه و انگیزه برای اجرای قطعنامه 598 است. در حالی که فشار عراق بر آزادسازی اسراء بود، ایران بر عقب‌نشینی نیروها تأکید داشت. پیشرفت حاصل در تبادل اسراء اندک بود و صرفاً دو طرف با آزادی تعدادی از اسرای معلول و بیمار موافقت کردند.

* 3 مهر در گذر تاریخ

* رحلت فقیه بزرگ
آیت الله «میرزا ابوالقاسم
کبیر قمی» (1313 ش)
اشاره:

آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی در

سال 1262 ش (1280 ق) متولد گردید و پس از طی مقدمات و سطوح در قم، از وجود آیات عظام: میرزا خلیل تهرانی نجفی،
آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی در نجف و میرزا محمد حسن آشتیانی در تهران بهره‌های وافر یافت.

آیت الله قمی پس از آن، از نظر علمی در مرتبه‌ای قرار گرفت که برخی وی را

بر آیت الله العظمی حائری یزدی، مؤسس

حوزه علمیه قم ترجیح می‌دادند. با این حال ایشان فداکاری عجیبی نسبت به آیت الله حائری از خود نشان می‌داد، به گونه‌ای که
می‌فرمود: نظر به منزل ایشان ثواب دارد.

شخصیت‌های برجسته‌ای همچون آیات عظام: امام خمینی، سید محمد رضا گلپایگانی، آخوند ملا علی همدانی، سید مصطفی

صفایی خوانساری و ده‌ها عالم فاضل

دیگر از جمله شاگردان ایشان می‌باشند. آیت الله کبیر قمی سرانجام در سوم مهر 1313 ش برابر با پانزدهم جمادی‌الثانی 1353
ق

در 73 سالگی به رحمت ایزدی پیوست و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه (س) مدفون گردید.

* درگذشت «غمام همدانی» شاعر معاصر ایرانی (1321 ش)

* اعتصاب کارکنان

مخابرات تهران و کشت و

صنعت شوشتر در اعتراض به رژیم پهلوی (1357 ش)

* انتخاب شهید مهندس «محمد جواد تندگویان»

به وزارت نفت دولت شهید رجایی (1359 ش)

اشاره:

با انتخاب شهید رجایی به نخست وزیری و معرفی کابینه به مجلس در مرداد 1359، برخی از وزارت خانه ها از جمله

وزارت نفت بدون وزیر باقی ماند.

در دوم مهر آن سال از سوی شهید رجایی، مهندس محمد جواد تندگویان برای

وزارت نفت معرفی شد. نخست وزیر در معرفی ایشان به مجلس، از فعالیت‌های تخصصی وی در صنعت نفت یاد کرد و از مهار

گاز یکی از چاه‌ها که در مطبوعات خارجی نیز انعکاس یافت

به عنوان بخشی از توانایی‌های ایشان نام برد.

پس از سخنان موافق و مخالف، مهندس تندگویان با اکثریت قاطع آراء به عنوان وزیر نفت دولت شهید رجایی از مجلس رأی

اعتماد گرفت. سرانجام چهل روز بعد در 12 آبان 1359 در جریان بازدید از مناطق نفتی خوزستان به همراه جمعی دیگر به

اسارت نیروهای متجاوز عراقی درآمد تا این که پس از تحمل شکنجه‌های بسیار و شهادت ایشان، جنازه شهید تندگویان در سال

1370 به ایران منتقل شد و در بهشت زهرا مدفون گردید.

* اولین سخنرانی

حجت الاسلام روحانی،

رئیس جمهوری ایران در

شصت و هشتمین مجمع

سازمان ملل (1392 ش)

* 29 ذیقعدة در گذر تاریخ

* مسموم شدن امام جواد (ع) در بغداد (220 ق)

اشاره:

مأمون بعد از شهادت امام رضا (ع)،

حضرت جواد را از مدینه به بغداد طلبید. دخترش (ام الفضل) را به ازدواج او درآورد که شیعیان این ازدواج را تحمیلی و با

اهداف سیاسی

می‌دانند. امام جواد (ع) از دختر مأمون فرزندی نداشتند و فرزندان ایشان

ما حصل ازدواجشان با بانوی دیگری به نام
سمانه مغربیه می باشد.

در مدت اقامت آنحضرت در بغداد از بدی معاشرت مأمون منجر بود بالأخره از مأمون اجازه خواست و به حج خانه خدا مشرف شد و از آنجا به مدینه آمده و در آن شهر منوره توقف کرد تا مأمون وفات نمود و معتصم برادر او به خلافت رسید و معتصم از شنیدن فضائل و کمالات آن بزرگوار آتش حسد در سینه او مشتعل گشت و آن جناب را به بغداد طلبید.
امام جواد (ع) فرزندش امام علی النقی(علیهما السلام) را جانشین خود نموده و وداع کرد و با دل خونین از قبر جد بزرگوارش مفارقت نمود و روانه بغداد گردید و در 28 محرم سال 220 داخل بغداد گشت معتصم بی میلی ام الفضل را از

حضرت جواد(ع) می دانست، زیرا امام جواد(ع) مادر امام علی النقی(ع) را بر او برتری می دانستند.
لذا، ام الفضل همیشه از حضرت جواد(ع) شاکی بود در زمان حیات مأمون مکرراً از حضرت به او شکایت می کرد و او گوش نمی داد و

اذیت حضرت را به صلاح خلافت خود نمی دید بالأخره معتصم ام الفضل را خواست و به قتل حضرت راضی کرد و زهری برای او فرستاد که به آن مظلوم بخوراند.
آن زن بی وفا انگور رازقی را زهرآلود نمود و به نزد آن بزرگوار آورد و حضرت میل فرمود و اثر زهر در بدن مبارک ظاهر گردید.
البته قول دیگری می گوید

به وسیله شخصی به نام شناس به دستور معتصم
شربت مسمومی را به وی می نوشاندند و وی را در ۲۵ سالگی، مسموم و به شهادت می رسانند.